

قاعده‌مندسازی درج مشخصات والدین در اسناد سجلی کودکان ناشی از اهدای جنین

|حکیمه صفایی محمدآبادی*| دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشکده حقوق،
دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.
|اسید مرتضی قاسم‌زاده| استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و
خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

حمایت حقوقی از کودکان ناشی از باروری‌های آزمایشگاهی به منزله ایجاد نظم عمومی و جلوگیری از مشکلات اجتماعی و روانی این کودکان در آینده است و اسناد سجلی نقش اصلی و انکارناپذیری را در این زمینه ایفا می‌کنند. عدم وجود قانون خاص برای اسناد سجلی این کودکان راه را برای کتمان حقیقت باز می‌کند، که آثاری همچون عدم انتساب طفل به پدر و مادر حقیقی خود را دارد و به تضییع حقوق طفل در آینده منجر می‌شود. در این اثر تلاش شد با استفاده از روش تحلیلی - کتابخانه‌ای به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که مناسب‌ترین روش برای تنظیم اسناد سجلی کودکان ناشی از اهدای جنین در راستای حمایت حقوقی و اجتماعی و برقراری نظام حقوق و تکالیف این اطفال با اهدا دهندگان و گیرندگان جنین چیست؟ در پاسخ به این پرسش و تحلیل فقهی و حقوقی مسئله به این نتیجه دست یافته شد که ثبت عنوان اهدای جنین و نام پدر و مادر صاحب نطفه در شناسنامه، معضلات و مشکلاتی را برای طفل و جامعه به وجود می‌آورد و با بحث محرمانگی اسناد اهداکنندگان در تعارض است، اما مخفی ماندن نسب اشخاص و احیاناً انتساب طفل به غیر از والدین حقیقی خود، به سلب حقوق قانونی اشخاص مانند مسئله ارث و غیره منجر است. بنابراین لازم است نام اهداکنندگان در محلی ثبت و نگهداری شود تا اگر زمانی نیازمند

استفاده از آن‌ها شوند با مشکل بی‌هویتی روبه‌رو نشوند. به نظر می‌رسد بهترین محل برای ثبت آن، دفتر ثبت کل وقایع است.

واژگان کلیدی: باروری‌های آزمایشگاهی، اسناد هویتی، اهداکننده، گیرنده، جنین.

مقدمه

باروری‌های آزمایشگاهی در سنجش با دیگر انواع باروری‌ها دو ویژگی عمده دارد. نخست اینکه، چهره آزمایشگاهی برجسته‌ای دارد و در رویه عمومی کشورها پذیرفته شده که دخالت دست انسان و علم پزشکی در انعقاد نطفه، باروری را از حالت طبیعی خود خارج کرده است. دوم اینکه، الزاماً در باروری‌های آزمایشگاهی صاحب نطفه، زن و شوهر متقاضی فرزند نیستند و در بسیاری از مواقع شخص ثالث یا همان اهداکننده دخالت دارد. درواقع، بین باروری‌های با کمک ثالث و سایر موارد میان خود زوجین باید تفکیک قائل شد. باروری با کمک ثالث شامل اهدای جنین، اهدای تخمک و اسپرم و احیاناً ترکیب این‌ها، پیوند رحم، پیوند بافت بیضه و تخمدان و دیگر موارد است. در حالی که باروری بین زوجین شامل IVF، ICSI، IUI و غیره است. این دو ویژگی اولین مسئله محوری را مطرح می‌کند که اسناد سجلی و هویتی که مدارکی هستند که برای شناسایی، احراز هویت و همچنین تعلق خاطر افراد به کشور خاصی صادر می‌شوند در مورد اطفال متولد از نطفه‌های اهداشده چگونه صادر می‌شوند. این اسناد به‌واسطه اینکه مبنای صدور سایر مدارک یا دریافت خدمات خاصی قرار می‌گیرند از اهمیت بسزایی برخوردارند. آیا نام اهداکنندگان در این‌گونه اسناد ذکر می‌شود یا خیر، و در صورت عدم ذکر لطمه‌ای به حقوق این فرزندان در آینده وارد می‌شود یا خیر. و رویه عملی در کشور چگونه با آن برخورد می‌کند. هرچند رویه واحدی در این زمینه وجود ندارد و همین امر مجوز کتمان حقیقت، تدلیس و فریب را داده است. محور دوم این است که نظام حقوقی می‌تواند با قوانین ثبتی مشخص زمینه‌ساز حقوق این فرزندان و مانع خطرات احتمالی برای آن‌ها باشد. سکوت یا محرمانه گذاشتن موضوع مطروحه از طرف قانون‌گذار و عدم وجود قوانین مدون در این موضوع، مجوز تدلیس و سوءاستفاده افراد می‌شود و از سوی دیگر حمایت از حقوق این اطفال که هدف این نوشتار است، پیوند عمیقی با سیاست تقنینی و قضائی واحد دارد. در این باب تنها یک بخشنامه وجود دارد که گیرندگان جنین را به‌عنوان پدر و مادر معرفی می‌کند که اولاً، این بخشنامه متعلق به جنین‌های رحم جایگزین است نه اهدای جنین و در ثانی به دلیل مخالفت آن با مباحث محرمانگی، ارث و دیگر حقوق طفل قدرت اجرایی پیدا

نکرده است که نبود قانون بستر سوءاستفاده از حق را در رویه عملی ثبت ایجاد کرده است که مهم‌ترین اثر آن تضییع حقوق طفل و اطرافیان است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تنقیح موضوع

تلقیح مصنوعی را می‌توان فرایندی از ترکیب اسپرم و تخمک در آزمایشگاه تعبیر کرد که در آن ممکن است از اسپرم و تخمک زوجین متقاضی تلقیح استفاده شود یا اسپرم و تخمک شخص ثالثی را از او بگیرند و با ترکیب در آزمایشگاه، وارد رحم زن متقاضی جنین کنند. گیرندگان جنین معمولاً یا به اسپرم و تخمک هردو نیاز دارند و یا یکی از آن‌ها را از اهدادهنده می‌گیرند و با اسپرم یا تخمک خود لقاح انجام می‌دهند. در این میان، نقش اسناد سجلی به‌عنوان اهرمی برای تنظیم رویه‌ها و مراودات اجتماعی و همچنین قاعده‌مهندسازی حقوق و تکالیف کودکان و زوجین قانونی و حقیقی آن‌ها، قابل‌تصور است. لذا مهم‌ترین اهداف اسناد سجلی این کودکان، حمایت از حقوق آن‌هاست.

۲-۱. شخصیت حقوقی جنین

شخصیت را وضع «شخص بودن» تعریف کرده‌اند. شخص عبارت از موجودی با وضعیت اخلاقی^۱ معین یا موجود برخوردار از حقوق است. البته لازمه این وضعیت اخلاقی، اهلیت کافی است. شخص را کسی دانسته‌اند که حس و برداشتی از خود دارد، درکی از آینده و گذشته دارد و می‌تواند ارزش‌ها را درک کند و تصمیم بگیرد (Taylor, 1985: 97). درست است که ماده ۹۵۷ قانون مدنی ایران حمل را مشروط بر اینکه زنده متولد شود، واجد حقوق مدنی می‌داند، اما حق آن است که هنوز هیچ پاسخ قاطعی به این سؤال وجود ندارد که آیا جنین، حقیقتاً واجد شخصیت انسانی نیز هست یا این شخصیت به حکم قانون جهت اعطای پاره‌ای حقوق برای وی فرض شده است. روشن است که اگر جنین را واجد شخصیت انسانی بدانیم یا انسان بودن را برایش فرض کنیم، به تبع، باید وی را از همه حقوق انسانی بهره‌مند بدانیم (آذین، ۱۳۹۴: ۳). به نظر می‌رسد به صرف نیل به لحظه‌ای از تکامل جسمی جنین، نمی‌توان برای وی شخصیت حقوقی قائل بود، چراکه انسان مرکب از دو ساحت جسم و روح است و تا روح به جسم اضافه نشود، انسان شکل

1. moral status

نگرفته است. ولی پس از به دنیا آمدن جنین ولو از طریق باروری‌های آزمایشگاهی، آن جنین صاحب شخصیت حقوقی و برخوردار از حقوق است.

۲. اسناد سجلی

اسنادی را که مربوط به احوال اشخاص افراد است اسناد ثبت احوال یا اسناد سجلی می‌گویند که طبق قانون و مقررات ویژه خود توسط مأموری رسمی تهیه و تنظیم می‌شود (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در ماده ۱۰ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ از سه نوع سند: «سند ثبت ولادت، سند ثبت مرگ و دفتر کل وقایع» نام برده شد، اما در سال ۱۳۶۳ و با توجه به اصلاحات انجام شده، دفاتر فوق به دو دفتر ثبت کل وقایع و دفتر ثبت وفات تبدیل شد. به موجب ماده اصلاح شده، ولادت، ازدواج، طلاق، رجوع و بذل مدت و وفات که مجموعاً وقایع حیاتی فرد را تشکیل می‌دهند، باید در دفتر ثبت کل و دفتر ثبت وفات به ثبت برسند. همچنین دو سند کارت ملی و شناسنامه را باید به مصادیق اسناد سجلی اضافه کرد که توسط اداره ثبت احوال تنظیم می‌شود.

بنابراین با توجه به نکات مطروحه، امروزه پنج سند ذکر شده از اسناد سجلی محسوب می‌شوند. در این نوشتار متناسب با موضوع، با دو سند مهم کاربردی یعنی شناسنامه و دفتر کل وقایع کل مواجه می‌شویم. در رابطه با کارت شناسایی چون معمولاً از روی اطلاعات مربوط به همین اسناد تنظیم می‌شود بررسی این دو مباحث مربوط به کارت شناسایی را نیز حل می‌کند. در رابطه با دفتر ولادت و مرگ نیز هر مشخصاتی که در دفتر کل وقایع ثبت شود قاعدتاً همان نیز در این دو دفتر ذکر می‌شود.

۲-۱. دفتر ثبت کل وقایع

دفتر ثبت کل وقایع، دفتری است که در زمان تولد هر فرد ولادت او در آن ثبت و وقایع دیگر مربوط به او مانند ازدواج، طلاق، رجوع، بذل مدت و وفات همسر، ولادت و وفات اولاد و وفات صاحب سند با توجه به اعلامیه‌ها و مدارک موجود در مقابل نام فرد ثبت می‌شود. برای نمونه به موجب تبصره ماده ۱۳ قانون ثبت احوال، اگر فرد ایرانی باشد بعد از ثبت ولادت او «اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می‌شود» و طبق ماده ۱۰ قانون ثبت احوال: «صفحات دفتر ثبت کل وقایع باید شماره‌گذاری شود و با تعیین تعداد کل صفحات نخ‌کشی و سرب و منگنه شده به امضای

دادستان شهرستان یا نماینده او برسد»^۱. و به موجب تبصره ۲ ماده ۱۰ نیز: «دفتر ثبت کل وقایع هر سال پس از انقضای مدت صد و بیست سال از جریان خارج و به بایگانی راکد منتقل می‌شود». با توجه به مطالب گفته‌شده مشخص می‌شود که شناسنامه افراد با توجه به محتویاتی که برای درج در دفتر کل وقایع فرستاده می‌شود، تنظیم می‌شود و عموماً مطالبی که در آن‌ها درج می‌شوند با مطالب شناسنامه و کارت شناسایی افراد تطابق کامل دارد، اما همانطور که ما در ادامه مطالب خواهیم گفت در رابطه با کودکان ناشی از اهدای جنین می‌توان براساس ضرورت و برای نظم عمومی جامعه به تفکیک بین دفتر کل وقایع و شناسنامه برای مشخصات والدین قائل شویم.

۲-۲. شناسنامه

طبق ماده ۱۳ قانون ثبت احوال «ولادت واقع در ایران به وسیله نماینده یا مأمور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی ایران در دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می‌رسد» و طبق تبصره ذیل این ماده و ماده ۳۶ آن اگر طفل ایرانی باشد برای او شناسنامه صادر می‌شود و اگر خارجی باشد، گواهی ولادت صادر و تسلیم می‌شود. پس با توجه به ماده ذکرشده مشخصات شناسنامه از روی مندرجات ثبت شده در دفتر کل وقایع خواهد بود. در عین حال طبق ماده ۴۶ قانون ثبت احوال: «منحصراً شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی ایران، سند رسمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود».

در راستای مواد فوق، براساس ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، در هر زمانی که هویت و تابعیت افراد مورد تردید قرار گیرد و مدارک کافی برای اثبات آن ارائه نشود مورد برای اثبات هویت به مراجع انتظامی و برای اثبات تابعیت به شورای تأمین شهرستان فرستاده می‌شود و در صورتی که تأیید شود طبق مقررات اقدام خواهد شد.

طبق مواد فوق، شناسنامه از امارات اثبات هویت فرد است که خلاف آن قابل اثبات است. پس در مواردی که نام پدر و مادر حقیقی طفل در شناسنامه درج نشده است می‌توان با اقامه دلیل در دادگاه آن را ثابت کرد.

۱. «دفتر ثبت واقعه باید قبل از آنکه چیزی در آن نوشته شود پلمپ شده و تمام صفحات آن نمره‌گذاری شده و عده صفحات در صفحه اول و آخر هر یک دفتر با تمام حروف نوشته و به مهر اداره ثبت احوال و امضای رئیس تفتیش احصائیه و ثبت احوال و مدعی العموم بدایت تهران برسد.» (تبصره ماده ۵ نظام‌نامه اداره کل احصائیه و سجل احوال مصوب ۱۲ شهریورماه ۱۳۱۴).

۳. اسناد سجلی جنین اهدایی

در مواد ۱۲ به بعد قانون ثبت احوال در رابطه با ثبت ولادت اطفال قوانینی وضع شده و ثبت ولادت اطفال الزامی است و پس از ثبت باید برای کودک شناسنامه صادر شود و طبق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، این وظیفه به عهده پدر و جد پدری است، لذا از آنجایی که گواهی ولادت به نام کسی صادر می‌شود که طفل را به دنیا آورده است همسر او نیز به‌عنوان پدر در گواهی ولادت ثبت می‌شود که در فرض مورد نظر ما گیرندگان جنین هستند. در این مورد پدر دریافت‌کننده طفل وظیفه اعلام ولادت دارد و پدر قانونی او محسوب می‌شود و پدر این مرد نیز جد پدری قانونی طفل محسوب می‌شود. در حالتی که پدر و جد پدری غایب یا فوت کرده باشند کسی که طفل را به دنیا آورده است؛ یعنی مادر دریافت‌کننده جنین وظیفه اعلام ولادت طفل را دارد و مادر قانونی او محسوب می‌شود و اسم مادر و پدر دریافت‌کننده جنین به‌عنوان پدر و مادر قانونی آن‌ها در شناسنامه ثبت می‌شود. اما اشکالی که در این زمینه وجود دارد این است که تکلیف پدر و مادر صاحب نطفه طفل چه می‌شود؟ آیا آن‌ها را نباید قانون به رسمیت بشناسد؟ قطعاً کتمان حقیقت از طفل باعث سلب حقوقی از طفل و خلل در زندگی او مانند: ارث طفل و مباحث محرمیت طفل را ایجاد می‌کند. همچنین اگر زمانی طفل به‌علت بیماری و دیگر مباحث نیاز به پیوند مغز استخوان و دیگر موارد داشته باشد اگر از هویتشان آگاه نباشد چگونه می‌تواند به پدر و مادر طبیعی خود مراجعه کند؟ مسائلی از این دست باعث می‌شود بحث اسناد سجلی این کودکان اهمیت زیادی پیدا کند. از دیگر سو، نظام اجتماعی باید دارای نظم و هماهنگی باشد تا مردم در پرتو آن با آرامش و خیال راحت به زندگی روزانه خود ادامه دهند. رویه واحد در شناسنامه و محتویات شناسنامه به نظام اجتماعی و عدم اختلال در نظم اجتماعی بسیار کمک می‌کند. با توجه به این موارد ابتدا به بررسی دلایل درج نام صاحبان نطفه در شناسنامه و دفتر کل وقایع و پس از آن به بررسی دلایل ذکر نام گیرندگان نطفه در شناسنامه خواهیم پرداخت.

۳-۱. درج نام صاحبان نطفه در شناسنامه

کسانی که قائل به درج نام صاحبان نطفه در شناسنامه به‌عنوان پدر و مادر طفل هستند غالباً به مباحثی مانند نسب و آثار مترتب بر آن‌ها استناد می‌کنند. «نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به‌وجود می‌آید. از این امر، رابطه طبیعی و خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد» (امامی، ۱۳۹۹: ۱۵۱). همچنین از نظر پزشکی

ماده سازنده جنین، از ناحیه پدر، اسپرم است و از دیگر سو، عرف هم ملاک و معیار نسب را در انسان، پیدایش یکی از دیگری می‌داند. همین مفهوم را می‌توان در قرآن کریم یافت.

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا...» (فرقان: ۵۴).

«و اوست که از آب بشری آفرید و او را نسبت پیوندی و نژادی قرار داد...».

برای کلمه «ماء» دو احتمال در نظر گرفتیم:

۱. مطلق آب، یعنی مبنا و منشأ پیدایش موجودات زنده، مطلق آب است و برای تأیید این مطلب آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء: ۳۰).

۲. نطفه؛ به این معنا که بشر از نطفه خلق شده است. و استناد ما آیه «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...» است. علامه طباطبایی این نظر را تأیید و تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

«وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ... ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ ... فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ...» (احزاب: ۴ و ۵).

«پسر دیگری را که فرزند بخوانید پسر شما قرار نداده، این گفتار شما زبانی و غیرواقع است، و خدا سخن به حق می‌گوید و اوست که (شما را) به راه حقیقت راهنمایی می‌کند... اگر پدرانشان را شناسید (باز فرزند و ارث بر شما نیستند بلکه) در دین، برادران و یاران شما هستند، و در کار ناشایسته‌ای که به خطا کنید بر شما گناهی نیست، لیکن آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی می‌کنید بر آن گناه مؤاخذه می‌شوید».

و بسیاری آیات و روایات دیگر که مجال بیان آن‌ها در این نوشتار نیست و مؤید آن است که نسب عرفاً و لغتاً ناشی از رابطه‌ای است بین پدر و فرزند که منشأ آن، اسپرم و نطفه گرفته‌شده از پدر است.

از لحاظ دانش پزشکی نطفه، حاصل تلقیح اسپرم و تخمک است و منشأ پیدایش طفل و سلول سازنده او، اسپرم و تخمک است و در هیچ‌یک از کتب پزشکی نیامده است که رحم نقش اولیه و سازنده نطفه را داشته باشد.^۱ با توجه به تمام این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که چون پدر و مادر طفل در واقع صاحبان نطفه هستند و ارث از طریق نسب به طفل می‌رسد و همچنین مباحث

۱. برای مطالعه در این زمینه ر.ک. کی، چانگ... «ناباروری، ارزیابی و درمان»؛ لیون اسپروف، رابرت اچ. گلس و...، آندوکرینولوژی بالینی زنان و نازایی، ترجمه دکتر ملک منصور اقصی و...، معرفت غفاری، «میزگرد مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین»، بولتن تولید مثل و نازایی (ویژه‌نامه سمپوزیوم مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین).

محرمیت طفل، لذا بهتر است نام پدر و مادر حقیقی طفل در شناسنامه درج شود. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۲۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ بیان داشته است که:

مستفاد از حکم مقرر در ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و لحاظ پیشینه فقهی این مقرر و تغییراتی که متعاقب تذکر شورای نگهبان در مصوبه مجلس شورای اسلامی اعمال شده است، قانون‌گذار کودکان حاصل از جنین‌های آزمایشگاهی را به صاحبان اسپرم و تخمک ملحق کرده و بین ایشان قرابت نسبی را جاری می‌داند.

همچنین در نظریه مورخ ۱۳۸۳/۵/۷ بیان داشته است که

چنانچه بین زوج و زوجه لقاح صورت گرفته باشد (چه در داخل رحم و چه خارج آن) طفل حاصل از آن متعلق به زوجین است که با توجه به ملاک ماده ۴ قانون نحوه اهدای جنین به زوج‌های نابارور مصوب ۱۳۸۲/۰۴/۲۹ با احراز این موضوع و تأکید آن از سوی دادگاه خانواده، صدور شناسنامه به نام پدر و مادر حقیقی یعنی والدین صاحب جنین بلاشکال است.

همانطور که از دو نظر مطروحه بالا برداشت می‌شود، پدر و مادر حقیقی و نسبی این اطفال، پدر و مادر صاحب نطفه و اهداکننده هستند. برخی حقوقدانان نیز به همین نظر قائلند (روشن، ۱۳۸۴: ۱۸۴؛ صفائی، ۱۳۷۶: ۶۵؛ مهرپور، ۱۳۷۶: ۱۹). اما با وجود اینکه نظر نگارندگان بر حفظ حقوق طفل از جمیع جهات مورد نظر است، اما به دلایلی که در ادامه خواهیم گفت بر درج نام پدر و مادر حقیقی طفل در شناسنامه آثاری مترتب است که ما را از این کار بر حذر می‌دارد.

۲-۳. درج نام گیرندگان نطفه در شناسنامه

با توجه به اینکه شناسنامه در زندگی اجتماعی طفل در آینده نقش بسزایی دارد و هویت اجتماعی او با توجه به مندرجات شناسنامه اش مشخص می‌شود و سلامت روانی طفل در مسیر تربیت و تنبه او نباید دچار دوگانگی و تزلزل شود و همینطور غالباً گیرندگان نطفه تمایلی به افشای این مورد به دلایل گوناگون ندارند، در اینجا به مهم‌ترین دلایل درج نام گیرندگان در شناسنامه خواهیم پرداخت.

۱-۲-۳. حفظ نظام اجتماعی

دو مصدر نظم و نظام از فعل نظم به فتح «ن» و «ظ» هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۷۸). در زبان عرب لغت‌شناسان این‌گونه بیان کرده‌اند: «النظم: التالیف، و ضم شیء الی شیء آخر و کل شیء قرنته بآخر فقد نظمته» (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۶۸۹). خلیل بن احمد نیز در معنای نظام بیان داشته

است که: «لیس لآمره نظام ای لا تستقیم طریقته» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۶). در مجمع‌البحرین نیز بیان شده است «نظمت الخرز» (الطریحی، ۱۳۷۵: ۱۷۷)؛ یعنی مهره‌ها را در یک سلک و ردیف قرار دادم که به آن «نظام» گفته می‌شود. پس با توجه به این تعاریف چیزی که به هم پیوستگی و ارتباط داشته باشد و به هم ضمیمه شده باشد دارای نظم است و به متنی که دارای پیوستگی و نظم باشد منظوم یا نظم گفته می‌شود. فقها در کلام خود نظام را برای سامان دادن معیشت مردم و نظم و سامان دادن به امور و روال عادی زندگی مردم بدون هیچ‌گونه مشکل و بحرانی به‌کار برده‌اند. معنای اصطلاحی «نظام» را این گونه بیان می‌داریم که: «نظام، مجموعه‌ای از عناصر است که به‌طور منظم و با رابطه‌کنش و واکنش متقابل برای تحقق هدف مشترک به‌صورت معناداری به هم پیوسته‌اند. این انتظام و به‌هم‌پیوستگی به گونه‌ای است که اگر در یکی از عناصر تشکیل‌دهنده نظام، خللی وارد شود، نظام دچار اختلال خواهد شد» (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۶: ۳۶). عام‌ترین مفهوم نظام، سامان داشتن زندگی و معیشت مردم است که مرحوم نائینی (ره) در این رابطه بیان می‌دارند که منظور از حفظ نظام، «حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول آحاد ملت، بعضیهم علی بعضی غیر ذلک از وظایف نوعیه راجعه به مصالح داخلیه مملکت و ملت» است (نائینی، ۱۳۲۷ق: ۳۹-۴۰).

منظور از اختلال نظام، هر عملی است که هماهنگی و پیوستگی جمعیت دارای نظم را از بین ببرد و موجب ازهم‌گسیختگی و هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه شود و روال عادی زندگی مردم را به هم بریزد. از آنجایی که هنجارها و ارزش‌ها در هر جامعه متفاوت است مفهوم نظم و اختلال نظام نیز امری نسبی و متغیر است و بی‌توجهی به آن‌ها امنیت روانی شهروندان را به خطر می‌اندازد. اختلال نظام می‌تواند در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره رخ دهد. اختلال در نظام موجب به‌هم خوردن نظم عمومی و محاسبات اجتماعی می‌شود. اسناد سجلی از حیث ایجاد نظم عمومی و ایجاد مناسبات اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در هر کشوری اتباع آن کشور به‌وسیله اسناد سجلی خود شناخته می‌شوند و ماده ۴۶ قانون ثبت احوال که «منحصراً شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی ایران، سند رسمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود» این مورد را تأیید می‌کند. در همین راستا محتویات شناسنامه فرد باید با زندگی طبیعی و واقعی او هماهنگ باشد تا بتواند امورات اجتماعی خود را نیز به‌طور طبیعی بگذراند. برای مثال برای ثبت نام کودک در مدرسه پدر و مادر او اقدام می‌کنند. حال اگر نام پدر و مادر اهداکننده نطفه در شناسنامه درج شود، در صورتی که فرد با پدر و مادر گیرنده زندگی می‌کند و آن‌ها را پدر و مادر

خود می‌داند و همینطور کودک هیچ ارتباطی با صاحبان نطفه خود ندارد، چه کسی مسئول ثبت نام او خواهد بود؟ افراد در ادارات و ارگان‌های مختلف چه کسی را پدر و مادر او تلقی کنند؟ این موضوع در تمامی زندگی طول زندگی کودک جریان خواهد داشت و فرد و دیگران را دچار سردرگمی و گیج شدن خواهد کرد که نتیجه آن مختل شدن نظم اجتماعی و مناسبات اجتماعی افراد است.

۲-۲-۳. قاعده لاضرر

ضرر در لغت به معنای عیب و نقصانی است که به فرد یا شیء خاصی وارد می‌آید (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۳). دلالت «ضرر» به آنچه مقابل نفع است، ایفاد می‌شود؛ کما اینکه مرحوم صاحب کفایه در معنای لغوی «ضرر» بیان داشته است که: «فالظاهر أنّ الضرر هو ما يقابل النفع من النقص» (الخراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۸-۲۶۹). معنای اصطلاحی قاعده لاضرر، نفی حکم ضرری در شریعت مقدس است که در واقع، امتنان بر عباد محسوب می‌شود (المصطفوی، ۱۴۲۱ق: ۲۴۳). بنابراین، هر عمل یا واقعه‌ای که موجب وقوع ضرر بر مکلفان و عباد شود، نفی می‌گردد؛ چه آنکه در اسلام، حکم ضرری نفی شده است (الانصاری، بی تا: ۳۷۴). در موضوع مورد بحث ما، حضور در اجتماع و انجام فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی طفل حداقل تا سن قانونی منوط به وجود والدین اوست. از آنجایی که درج نکردن نام گیرندگان در شناسنامه طفل در آینده برای او مشکلات عدیده‌ای را به همراه می‌آورد و آینده او را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند. همچنین معمولاً یافتن اهداکنندگان طفل در آینده با مشکلات زیادی همراه است و اهداکنندگان و گیرندگان طفل را دچار مخاطرات و مشکلات زیادی می‌کند، ضررهای ناشی از این فرایند عقلاً و شرعاً راه را برای درج مشخصات گیرندگان که همراهان طفل در زندگی و تربیت او هستند، باز می‌کند.

۳-۳. درج نام اهداکنندگان جنین در بخش توضیحات شناسنامه

در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۷ سخنگوی سازمان ثبت احوال، سیف‌الله ابوترابی، در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم با اشاره به قانون اهدای جنین بیان کرد: این قانون در سال ۱۳۸۲ تصویب شد و با عنوان «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» به مراکز ناباروری اجازه داده که جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوجین قانونی و شرعی را به رحم زنانی که به دلیل مشکل خود یا همسرشان بارور نمی‌شوند، منتقل کنند. پس از تصویب قانون، وزارت بهداشت

آیین‌نامه اجرایی آن را ابلاغ کرد. براساس این آیین‌نامه بیشترین تکلیف برای مراکز تخصصی درمان ناباروری در نظر گرفته شده است. این مراکز موظفند اقدامات درمانی مناسب را به زوجین ارائه دهند و در صورتی که به نتیجه نرسید و شرایط لازم را برای دریافت جنین اهدایی داشتند، آن‌ها را برای دریافت مجوز قانونی به دادگاه خانواده معرفی کنند.

همچنین او تصریح کرد: دادگاه خانواده باید مجوز دریافت جنین را صادر کند و این در حالی است که با وجود اینکه بیشترین حجم کاری بر عهده مراکز درمان ناباروری است، دادگاه‌های خانواده و پزشکی قانونی نیز در این میان نقش دارند.

قانون، دریافت جنین اهدایی را منوط به شرایطی کرده است؛ در درجه اول زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه‌دار شدن نداشته باشند و زن امکان دریافت جنین را داشته باشد (رحم سالمی داشته باشد). همچنین صلاحیت اخلاقی زوجین، محجور نبودن زوجین، عدم ابتلای زوجین به بیماری‌های صعب‌العلاج و اعتیاد و داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران موضوعاتی است که دادگاه بررسی می‌کند و در صورت احراز صلاحیت زوجین به آن‌ها مجوز قانونی دریافت می‌دهد.

سخنگوی سازمان ثبت برای صدور شناسنامه این افراد تکلیف سازمان ثبت را براساس حکم دادگاه برای اقدام به صدور شناسنامه قرار داده است. ایشان همچنین تصریح به قید اهدای جنین بودن طفل در بخش توضیحات شناسنامه کردند.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/07/1736683/> last seen: 1401/06/09)

طبق بیانات سخنگوی سازمان ثبت احوال، درج عنوان اهدای جنین در توضیحات شناسنامه الزامی است. اولاً، موضوع اصلی و بحث، درج نام پدر و مادر صاحب نطفه فرزند ناشی از اهداست و گرنه صرف نوشتن اینکه این فرزند ناشی از اهدای جنین است چه مشکلی از طفل را برطرف می‌کند؟

به نظر می‌رسد مضاف بر این، درج این عنوان هیچ فایده عملی ندارد، بلکه آثار مخرب روحی و روانی بر طفل و تربیت او دارد و دچار اختلال در شخصیت و بحران هویت آن هم در سنین رشد می‌شود.

دوماً، درج این عنوان در شناسنامه موجب سردرگمی افرادی است که با طفل در معاشرت هستند و در زمانی که امور کارهای روزانه طفل در گرو ارائه مدرک شناسایی است برای فرد و دیگران ایجاد سردرگمی و اختلال می‌کند و همانطور که توضیح دادیم نظم اجتماعی را به هم می‌زند و موجب اختلال در امور طفل و دیگران می‌شود، حال آنکه اسناد سجلی برای نظم دادن به

امور فرد و جامعه و آسان شدن مناسبات وضع شده است. برای نمونه طفل زمانی که خواهان ثبت نام در مدرسه یا گرفتن کارت ملی و دیگر امور خویش است با مشکل عدم فهم افراد برای اینکه پدر و مادر واقعی طفل کدام یک هستند، مواجه خواهد شد، مگر اینکه قانون جامع و کاملی در این ارتباط نوشته و به آحاد مردم و مراجع ابلاغ شود.

از همه این مباحث که بگذریم به نظر می‌رسد درج عنوان اهدای جنین و نام پدر و مادر صاحب نطفه در شناسنامه، ایرادات قانونی دارد و خود این عمل باعث خدشه به قانون و نقض آن می‌شود، زیرا با وجود اینکه در قانون اهدای جنین راجع به مسئله محرمانگی عمل اهدا صحبتی به میان نشده است، اما در آیین‌نامه اجرایی این قانون و در مواد ۳، ۶ و ۱۰ در رابطه با بحث محرمانگی مقرراتی وضع شده است. در ماده ۳ این قانون آمده است: «اهدای جنین در مراکز تخصصی با احراز هویت اهداکنندگان و به صورت کاملاً محرمانه انجام می‌پذیرد» و بند ۶ آن نیز، نگهداری، دریافت و انتقال جنین‌های اهدایی را در شرایط کاملاً محرمانه، مجاز می‌داند. تبصره ذیل آن بیان می‌دارد: «اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی، جزو اطلاعات به کلی سری طبقه‌بندی می‌شوند». همین‌طور در ماده ۱۰ آن نیز آمده است: «ارائه مدارک مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی، تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضائی صلاحیت‌دار مجاز می‌باشد».

هرچند ایرادات و انتقاداتی به این آیین‌نامه وارد است و محل بحث فراوانی دارد که در این نوشتار نمی‌گنجد، ولی به‌طور کلی به نظر می‌رسد درج نکردن عنوان اهدای جنین و اهداکنندگان در شناسنامه طفل، از جمیع جهات ذکر شده اولی است.

۴-۳. درج نام اهداکنندگان جنین در دفتر ثبت کل وقایع

همان‌طور که به‌طور کامل و در جای خود مفصلاً راجع به دفتر ثبت کل وقایع توضیح دادیم، در دفتر ثبت کل وقایع باید تمامی وقایع از تولد و مرگ گرفته تا ازدواج و طلاق و همه امور مربوط به فرد ثبت شود. لزوم ثبت در دفتر ثبت کل وقایع با درج آن در شناسنامه ملازمه‌ای ندارد.

از آنجایی که پیش‌تر گفتیم ثبت عنوان اهدای جنین و نام پدر و مادر صاحب نطفه در شناسنامه معضلات و مشکلاتی را برای طفل و جامعه به‌وجود می‌آورد و با بحث محرمانگی اسناد اهداکنندگان در تعارض است، اما مخفی ماندن نسب اشخاص و احیاناً انتساب طفل به غیر از والدین حقیقی خود، به سلب حقوق قانونی اشخاص مانند مسئله ارث و غیره منجر می‌شود. بنابراین لازم است نام اهداکنندگان در محلی ثبت و نگهداری شود تا اگر زمانی نیازمند استفاده از

آن‌ها شوند با مشکل بی‌هویتی روبه‌رو نشوند. در تعارض دو نظریه اهدای شناخته‌شده و یا شناخته‌نشده جنین همانطور که بحث کردیم نظریه بینابینی را با توجه به مباحث مطرح‌شده انتخاب کردیم و آوردن نام گیرندگان را در شناسنامه که منشأ امور اجتماعی طفل در جامعه است، مرجح دانستیم. لکن با توجه به اینکه آگاهی از نسب افراد در صورت بروز اختلاف در آینده طفل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به دلایل ذیل درج نام اهداکنندگان که صاحبان نطفه و نسب طفل هستند در دفتر کل وقایع ضروری به نظر می‌رسد:

۱. در صورت بروز بیماری‌های جسمانی و نیاز به درمان‌هایی مانند پیوند، اطلاع از نسب ژنتیکی ضروری است (متوسلیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۹۶).

۲. در صورت بروز شرایط متفاوتی در آینده مانند فوت یکی از والدین یا جدایی آن‌ها مخفی نگه داشتن دائمی نسب طفل در صورت بروز بیماری‌های خاص و تفاوت ظاهری بارز میان والدین گیرنده و طفل می‌تواند برای طفل و دیگران سؤال‌برانگیز باشد و افشای راز از زبان دیگران باعث بی‌اعتمادی طفل و بروز مشکلات روحی و روانی و احساس بی‌هویتی در فرد شود (علوی قزوینی، ۱۳۹۷: ۱۳).

۳. با توجه به اینکه در حقوق ایران برخی حقوق مانند ارث به نسب طفل بستگی دارد در صورت ثبت نام اهداکنندگان در دفتر کل وقایع در زمان بروز اختلاف می‌توان به والدین حقیقی اطفال برای احقاق حقوق طفل مراجعه کرد. این خود نوعی حمایت از حقوق طفل در برابر دیگران است.

۴. درج نام اهداکنندگان در دفتر ثبت وقایع از رابطه نامشروع میان فرزندان اهدا با محارم خود، جلوگیری می‌شود.

با توجه به ضرورت ثبت اهدای جنین برای موارد گفته‌شده و ترجیح ثبت نکردن آن در شناسنامه که به‌طور معمول طفل برای امورات عادی خود در جامعه از آن استفاده می‌کند، به نظر می‌رسد بهترین محل برای ثبت آن، دفتر ثبت کل وقایع است تا ضمن ثبت در این دفتر از درج آن در شناسنامه خودداری شود و در زمان مقتضی، آماده استفاده قرار گیرد.

۴. چالش‌ها و راه‌کارهای ثبت جنین‌های اهدایی

در رابطه با ثبت هویت اطفال ناشی از جنین‌های اهدایی چالش‌های فراوانی وجود دارد، زیرا با وجود اینکه مجوز دریافت جنین‌های اهدایی را افراد با مراجعه به دادگاه اخذ می‌کنند، اما دادگاه بعد از صدور اجازه دریافت جنین‌های اهدایی، بر آن‌ها نظارتی ندارد و زوجین پس از مراجعه به مراکز

ناباروری و دریافت جنین، برای به دنیا آمدن طفل با مراجعه به بیمارستان‌ها، نوزاد را به دنیا می‌آورند و بیمارستان گواهی ولادت را به نام کسی که نوزاد را به دنیا آورده است صادر می‌کند و آن‌ها با مراجعه به ثبت احوال به نام خود برای طفل شناسنامه دریافت می‌کنند، به خصوص که افرادی که دریافت‌کننده جنین هستند تمایلی به افشای نام پدر و مادر حقیقی طفل ندارند و بعد از عمری تلاش برای بیچه داشتن، نمی‌خواهند دیگران و طفل متوجه این نکته شوند که نطفه از خود آن‌ها نیست. به همین دلیل غالباً هویت واقعی این اطفال کتمان می‌شود و می‌تواند در آینده باعث تضییع حق و حقوق طفل اهداشده شود. به همین جهت نیازمند نظارتی مستمر از سوی وزارتخانه و انجمن ناباروری ایران به مراکز ناباروری به لحاظ استاندارد بودن در حیطة اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای درمانی، باید به وجود بیاید و با راه‌اندازی سامانه‌ای که اطلاعات اهداکنندگان و گیرندگان جنین را ثبت می‌کند و برخورد مناسب با این روش درمانی، می‌توان از بروز ناهنجاری‌های روحی و روانی در آینده جامعه جلوگیری کرد.

نتیجه

با توجه به گسترش چشم‌گیر و روزافزون فعالیت مؤسسات ناباروری در عرصه تلقیح مصنوعی، حقوق کودکان ناشی از باروری‌های آزمایشگاهی در میان دل‌مشغولی‌های اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این کودکان در آینده از مرزهای خانواده فراتر می‌روند و غالباً مسائل جامعه با آنچه در عرصه خانواده وجود دارد، متفاوت است. در این میان، مسئله اسناد سجلی کودکان، چالش‌های حقوقی تازه‌ای را مطرح می‌کند که نمود آن در دعاوی مطروحه، قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد به صرف نیل به لحظه‌ای از تکامل جسمی جنین، نمی‌توان برای وی شخصیت حقوقی قائل بود، چراکه انسان مرکب از دو ساحت جسم و روح است و تا روح به جسم اضافه نشود، انسان شکل نگرفته است. ولی پس از به دنیا آمدن جنین ولو از طریق باروری‌های آزمایشگاهی، آن جنین صاحب شخصیت حقوقی و برخوردار از حقوق است. در ایران به دلیل عدم وجود قانون مدونی برای کودکان ناشی از باروری‌های آزمایشگاهی و اسناد سجلی آن‌ها، راه برای تقلب و کتمان پدر و مادر حقیقی طفل، که در واقع عدم انتساب آن‌ها به پدر و مادر حقیقی طفل است، باز شده است. این موضوع زمانی اهمیت خود را پیدا می‌کند که بدانیم بسیاری از حقوق طفل مانند ارث او در آینده به مخاطره می‌افتد. با وجود همه این موضوعات، نباید از این حقیقت چشم‌پوشی کرد که سلامت روانی این کودکان و گذراندن زندگی عادی و روزمره آن‌ها در جامعه، مستلزم شناختن گیرندگان جنین به‌عنوان پدر و مادر قانونی

آن‌هاست که در نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به همین مطلب اشاره شده که صاحبان نطفه و اهداکنندگان از نظر قانون و وفق تذکرات شورای نگهبان به‌عنوان پدر و مادر حقیقی این اطفال شناخته می‌شوند. از همین رو همانطور که مفصل بحث کردیم، ثبت عنوان اهدای جنین و نام پدر و مادر صاحب نطفه در شناسنامه معضلات و مشکلاتی را برای طفل و جامعه به‌وجود می‌آورد و با بحث محرمانگی اسناد عمل اهدا موضوع آیین‌نامه اجرایی قانون اهدای جنین در تعارض است.

در این پژوهش سعی بر آن شده است تا بیان شود، با وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها در مجموعه قانون‌گذاری راجع به کودکان آزمایشگاهی و اسناد سجلی آن‌ها، کنترل بر مؤسسات ناباروری و زوجین تقاضاکننده جنین وجود ندارد و این راه را برای اختفای حقیقت که حقوق طفل را در آینده به مخاطره می‌اندازد باز می‌کند اما با توجه به بسترهای موجود، می‌توان امید داشت که از حقوق این کودکان، حمایت‌های لازم به عمل بیاید. لذا پیشنهاد می‌شود:

۱. وضع قوانین دقیق و یکپارچه در زمینه کودکان ناشی از باروری‌های آزمایشگاهی و اسناد سجلی آن‌ها می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات و معضلات در آینده کودک جلوگیری کند.
۲. راه‌اندازی سامانه اهدای جنین که با ثبت اطلاعات اهداکنندگان و گیرندگان جنین، ثبت اطلاعات طفل با دقت و صحت انجام گیرد.

منابع

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

- آذین، سید محمد (۱۳۹۴)، شخصیت جنین، رساله دکتری حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- امامی، حسن (۱۳۹۹)، حقوق مدنی، جلد ۵، تهران: مجد.
- روشن، محمد (۱۳۸۴)، «وضعیت حقوقی طفل متولد از لقاح مصنوعی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۲.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۶)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، حسین و مرتضی قاسم‌زاده (۱۳۸۲)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران: سمت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۴)، تفسیر المیزان، جلد ۱۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۶)، نسب ناشی از لقاح خارج رحم و آثار حقوقی آن، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران.
- یآوری، نداد و الهه متوسلی (۱۳۸۴)، «رازداری در اهدای گامت»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین و درمان ناباروری، جمعی از نویسندگان پژوهشکده ابن سینا و سمت، دانشگاه تهران.
- ملک افضل اردکانی، محسن (۱۳۹۶)، قاعده حفظ نظام، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۶)، «نگرشی به وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۲۲.

ب) منابع عربی

- ابن منظور الانصاری، جمال‌الدین (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۳، بیروت؛ دار صادر.
- الانصاری، الشیخ مرتضی (بی تا)، المکاسب: رساله نفی الضرر، بیروت؛ دارالفکر.
- الخراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- الفراهیدی، الخلیل ابن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، ج ۸، بیروت؛ مؤسسه دارالهجره.
- الزبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷، بیروت؛ دارالفکر.
- المصطفوی، السید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، القواعد الفقهیة، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی لجماعة المدرسین.
- الطریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ق)، مجمع البحرین، ج ۶، بیروت؛ المكتبة المرتضویة.
- محسنی، محمدآصف (۱۳۷۶)، الفقه و المسائل الطیبه، قم: بوستان کتاب.
- النائینی، محمد حسین (۱۳۲۷ق)، تبییه الامة و تنزیه الملة، قم: بوستان کتاب.

ج) منابع انگلیسی

- Charles, T. (1985), "The concept of a person", *Philosophical Papers*, Vol. 1, Cambridge University Press, Cambridge.
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/07/1736683/> last seen 1401/06/09.